

هدفهای

علی تقی فقیهی

تربیتی  
در ارتباط

با والدین  
و فرزندان

پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجمع علوم انسانی

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی هدفهای تربیتی در ارتباط والدین با فرزند و به عکس، از هدفهای مهم اجتماعی به شمار می‌آید. سرپرستی همه جانبه و فراهم آوردن شرایط رشد جسمی و روانی فرزند، آموزش دادن به او، ایجاد و تقویت ارزشها در او، مؤدب ساختن وی به آداب نیکو و حفاظت از شخصیت وی، هدفهای عمده تربیتی در ارتباط با فرزند است که در این مقاله ضمن تبیین آنها، به روشهایی اشاره می‌شود که والدین باید در جهت تحقق بهتر هدفهای یاد شده به کار گیرند.

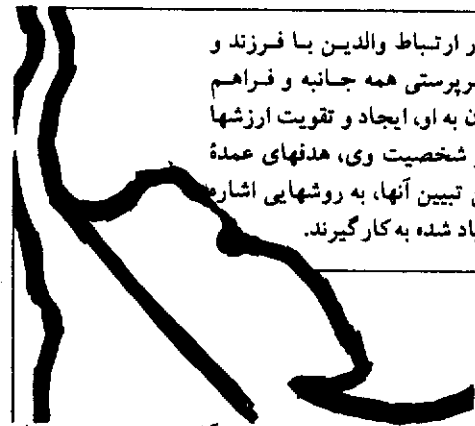
## مقدمه :

امروز مهمترین مشکلاتی که فراروی بشر قرار دارد، مشکلاتی است که در تعامل افراد با یکدیگر و به دست خود آنها ایجاد می‌شود. پیشگیری و یا حل این مشکلات در نظامهای تعلیم و تربیت، از با ارزشترین اهداف اجتماعی به شمار می‌آید. تصحیح تعامل و روابط افراد و بنیانگذاری آن بر اساس ارزشهای الهی و انسانی، علاوه بر اینکه خود ارزش اجتماعی است و مطلوبیت ذاتی دارد، ارزش مقدمی هم داراست، زیرا زمینه‌ساز هدف غائی نیز هست. از این رو برقراری روابط صحیح در بین گروههای جامعه و افراد نه تنها وظیفه شرعی است، بلکه از وظایف مهم و اهداف رفتاری محسوب می‌شود که تحقق آنها برای رسیدن به هدف نهایی آفرینش و قرب الهی ضرورت دارد. یعنی رسیدن انسان به قرب الهی، بدون نیل به آن اهداف رفتاری در ارتباط با دیگران، میسر نیست.

هدف این مقاله تبیین بخشی از این تعاملها و اهداف کلی است که تحت عنوان "هدفهای تربیتی در ارتباط با فرزند و والدین" مطرح می‌گردد.

## هدفهای تربیتی در ارتباط با فرزند

هدفهای تربیتی در ارتباط با فرزند را (که



والدین باید برای تحقق آنها بکوشند) می‌توان تحت عنوان سرپرستی و تربیت شایسته مطرح کرد.

والدین، از عوامل مهم و مؤثر در تکوّن و رشد فرزندشان به حساب می‌آیند و به همین جهت باید مراقبتهای ویژه‌ای انجام دهند تا زمینه مناسبتری برای تعلیم و تربیت آنان، بعد از تولد، و در دورانهای مختلف، به وجود آید. والدین همچنین در هر یک از مراحل کودکی و نوجوانی فرزندشان، وظایف و مسؤولیتهایی را نسبت به او به عهده دارند.

بحث تأثیر والدین در رشد و فراهم سازی زمینه تربیت، قبل از تولد فرزند، و تفصیل وظایف آنها بعد از تولد، به جای دیگری موکول می‌شود، و در اینجا فقط، مسؤولیتهای عمده والدین در مورد سرپرستی و تربیت فرزند، به طور اجمالی و با استفاده از احادیث بیان می‌گردد:

الف - مادام که کودک به بلوغ و رشد کافی نرسیده است، بسر والدین لازم است اولاً : سرپرستی همه جانبه او را بپذیرند. ثانیاً : شرایط و موقعیت مناسب برای رشد جسمی و روانی او را فراهم سازند، در تغذیه مناسب ،

و ... می سازد . در احادیث معصومین علیه السلام ، در مورد محبت و مهربانی، بوسیدن ، نوازش کردن و خوشحال نمودن فرزند، بسیار تأکید شده است، و ضمن اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ، عملاً این سنت حسنه را نشان داده‌اند ، آن را برای مردم وظیفه دانسته و با ذکر آثار، بخصوص آثار اخروی آن، والدین را بدان ترغیب نموده‌اند.

در مورد روش عملی پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: «كان النبي صلی الله علیه و آله اذا أصبح مسح على رؤوس ولده»<sup>۶</sup> سنت همیشگی آن حضرت این بود که صبحگاه ، با دست کشیدن بر سر بچه‌هایش آنها را نوازش می‌کرد.

و هم او دستور «أحبُّوا الصِّبيان وارحمواهم...»<sup>۷</sup> را صادر نمود. یعنی بچه‌ها را دوست داشته باشید و با آنها با مهربانی رفتار نمایید.

و نیز خطاب به والدین می‌فرماید: «أكثرُوا مِن قُبلة اولادكم، فإنَّ لكم بكل قُبلة ذرَّة»<sup>۸</sup> بچه‌هایتان را زیاد ببوسید و مورد محبت قرار دهید، بدانید هر بوسه‌ای شما را یک درجه در پیشگاه خدا بالا می‌برد.

### رعایت تساوی در محبت فرزندان

والدین ، در صورتی که دارای فرزندان متعدد باشند، موظفند تساوی در محبت و مهربانی را بین آنها، ولو در ظاهر، رعایت کنند تا عوارض بدی مانند احساس خود کم بینی، ناسازگاری، حسادت، کینه و دشمنی با برادر و خواهر خویش، در یکی از آنها پدید نیاید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله پدری را که به این وظیفه مهم بی توجه بود، مورد سرزنش و

نظافت، امنیت و آرامش و حفاظت وی بکوشند و امکانات و وسایل لازم برای رشد هوشی و جسمی او را از قبیل وسایل بازی و ورزش<sup>۹</sup>، برایش تهیه نمایند و حتی خودشان نیز با حوصله، با او بازی کنند.<sup>۱۰</sup>

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد مسئولیت سرپرستی فرزند به والدین می‌فرماید: «كلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة ... والرجل راع علی اهل بیته و هو مسئول عنهم، والمرته راعیة علی اهل بیت بعلمها و ولده و هی مسئولة عنهم»<sup>۱۱</sup> - همه شما سرپرستی زیردستان را به عهده دارید و نسبت به آنها مسؤولید. مرد سرپرست خانواده ( همسر و فرزند) و نسبت به آنان مسؤول است و زن نیز سرپرستی را به عهده دارد و نسبت به شوهر و فرزند خویش مسؤول است. آن حضرت ایجاد شرایط و موقعیت مناسب برای رشد فرزند را یکی از حقوق فرزند بر والدین دانسته، در پاسخ مردی که سؤال کرد: حق فرزند بر من چیست؟ فرمود: «... وَتَضَعُهُ مَوْضِعاً حَسَناً»<sup>۱۲</sup> یعنی باید زمینه و موقعیت نیکو برایش فراهم سازی .

ب - یکی دیگر از اهداف مهم تربیتی در ارتباط با فرزند، محبت است . والدین باید فرزند خود را دوست بدارند و او را مورد محبت قرار دهند، زیرا فرزند در همه مراحل رشد خود نیاز به محبت و مهربانی دارد و بهترین روش تغذیه عواطف او محبت است . سلامت روانی فرزند از راه مهر و محبتی تأمین می‌شود که والدین نسبت به او ابراز می‌دارند. چهره متبسم مادر، بوسه‌های او ، در آغوش گرفتن و نوازش کردنش، همه، در ساختار شخصیت آینده فرزند نقشی مهم دارد و از او شخصیتی سالم، دارای اعتماد به نفس، سازگار

اعتراض قرار داد. روایت چنین است :

«نَظَرَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى رَجُلٍ لَهُ ابْنَانِ قَقْبِيلٍ أَحَدُهُمَا وَتَرَكَ الْآخَرَ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهَلْأُ سَاوَيْتَ بَيْنَهُمَا؟»<sup>۹</sup>

پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پدری را دید که یکی از دو پسر خود را بوسید و دیگری را نبوسید. حضرت فرمود: چرا در محبت و بوسیدن، تساوی را بین دو فرزند خود رعایت نکردی؟!

### لزوم ابراز محبت

از آنجا که فقدان و یا کمبود محبت عوارضی مانند احساس بی شخصیتی، ناسازگاری، بزهکاری و ... برای فرزند به بار می آورد، لازم است والدینی که فرزند خود را به عللی دوست ندارند، برای جلوگیری از این گونه آثار سوء، محبت و مهربانی را ولو به شکل تصنعی نسبت به فرزند خود ابراز نمایند.

امام صادق علیه السلام عملکرد پدرش امام محمد باقر علیه السلام را نسبت به یکی از بچه هایش، از زبان او چنین نقل می فرماید:

«... وَاللَّهُ لَأَصْنَعُ بَعْضَ وُلْدِي وَأَجْلِسُهُ عَلِي فَعُدِّي وَأَكْثُرُ لَهُ الْمَحَبَّةَ وَأَكْثُرُ لَهُ الشُّكْرَ، وَإِنَّ الْحَقَّ لَغَيْرِهِ مِنْ وُلْدِي وَلَكِنْ مَحَافِظَةٌ عَلَيْهِ مِنْهُ وَمِنْ غَيْرِهِ وَ لِئَلَّا يَصْنَعُوا بِه مَافَعَلَ بِيُوسُفَ إِخْوَتُهُ، وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ سُورَةَ يُوسُفَ إِلَّا لِكَيْلَا يَحْسَدَ بَعْضُنَا بَعْضًا كَمَا حَسَدَ يُوسُفَ إِخْوَتُهُ وَ يَغْوَا عَلَيْهِ.»<sup>۱۰</sup>

به خدا! من به صورت تصنعی با یکی از بچه هایم برخورد می کنم و او را به روی زانوی خود می نشانم و بسیار به او محبت می کنم و او را بسیار تحسین می نمایم. در حالی که این مقدار محبت (واقعاً) حق فرزند دیگرم است، ولیکن این به خاطر آن است که مبادا عوارض

سوء کم محبتی، از او شخصیتی بسازد که بعداً آن فرزند خویم، از دست او و کسانی مانند او، در امان نباشد، و با او آن چنان کنند که برادران یوسف با او کردند. سپس امام می فرماید: خدا، سوره یوسف را بدین علت نازل کرد که ما آن را برای خود الگو بگیریم و نسبت به یکدیگر حسادت نوزیم، همان طور که برادران یوسف حسادت ورزیدند و بر او ستم روا داشتند.

ج - هدف تربیتی دیگر در ارتباط با فرزند، حفاظت از شخصیت فرزند و احترام به اوست. والدین باید بدانند که فرزند آنها، اگرچه کوچک است، ولی از شخصیت و کرامت انسانی برخوردار می باشد و خود او، این را می یابد، یعنی احساس شخصیت می کند. والدین موظفند در حفظ شخصیت فرزند



تا فرزندش حسن بن علی از دوشش پایین بیاید.<sup>۱۶</sup> بچه‌هایی را که به خارج مدینه به استقبال آن حضرت می‌آمدند، در آغوش می‌گرفت، می‌بوسید، سوار بر شتر می‌کرد و دستور می‌داد اصحاب آنها را سوار کنند.<sup>۱۷</sup> تفاخر بچه‌ها به این بود که پیامبر شخصیت آنها را درک کرده، این چنین محترمانه با آنها برخورد می‌نماید.<sup>۱۸</sup>

در اینجا به نقل یک حدیث می‌پردازیم:

كان النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله جالِئاً قَائِلُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَلَمَّا رَأَى هُمَا النَّبِيَّ (ص) قَامَ لَهُمَا، وَاسْتَبَطَّ بُلُوغُهُمَا إِلَيْهِ، فَاسْتَقْبَلَهُمَا وَحَمَلَهُمَا عَلَى كَتِفَيْهِ وَقَالَ: نِعْمَ الْمَطِيُّ مَطِيئِكُمَا وَنِعْمَ الرَّكِيانِ أَنْتُمَا...<sup>۱۹</sup>

حضرت رسول الله، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله نشسته بود، حسن و حسین (علیهما السلام) به سوی ایشان می‌آمدند. حضرت تا آنها را دید، به احترام آن دو ایستاد و صبر کرد تا به او رسیدند. سپس به آنها خوش آمدگفت و آن دو را بر دوش خود سوار کرد و فرمود: "خوب جایی نشسته‌اید، و شما هم خوب سوارکاری هستید."

ثالثاً: پیامبر مراقب بود تا والدین در معاشرت‌ها و برخوردها با فرزندان خود تندی، بی‌اعتنایی و... نکنند و اگر رفتار نادرستی را از آنها مشاهده می‌نمود، آنها را منع می‌کرد. گاه هنگامی که نوزادان را برای دعا یا نامگذاری پیش آن حضرت می‌آوردند، نوزاد در دامن حضرت بول می‌کرد، و پدر و یا مادر و یا ناظر دیگری بر کودک داد می‌زد و تندی می‌نمود تا او را از ادرار بسازد. پیامبر (ص) آنان را منع می‌کرد و می‌فرمود: با تندی و خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید. سپس طفل را آزاد

بکوشند و به گونه‌ای با او رفتار نمایند که نه تنها احساس وی جریحه دار نشود، بلکه باعث رشد و تقویت آن نیز گردد. والدین باید مراقب گفتار، برخورد و رفتار خود و دیگران در باره فرزندان باشند، و از رفتارهایی از قبیل: بی‌توجهی، بی‌اعتنایی، تندی، ناسزاگویی، کتک‌زدن، تخلف از وعده و... نسبت به آنها پرهیز و جلوگیری نمایند و همان‌گونه که در معاشرت‌های اجتماعی به بزرگترها احترام گذاشته می‌شود، آنها هم مورد احترام قرار گیرند. رفتار پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در احترام به بچه‌ها باید سرمشق همه پدرها و مادرها قرار گیرد. حال به ذکر نمونه‌هایی از احترام‌گزاردن آن حضرت نسبت به فرزندان خود و دیگر بچه‌ها می‌پردازیم:

أولاً: رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله برخورد محترمانه با فرزندان را وظیفه والدین دانسته و بر آن تأکید کرده و فرموده است: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ»<sup>۲۰</sup> - یعنی فرزندان خود را گرامی بدارید و با رفتار شایسته، رفتار آنها را نیکو سازید.

در حقیقت در حسن رفتار با دیگران هیچ فرقی بین بزرگ و کوچک نیست، همان‌طور که امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «وَأَجْمَلُ مَعَاشِرَتِكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»<sup>۲۱</sup> یعنی معاشرت و رفتار تو باید همیشه زیبا و همراه با احترام باشد، چه طرف تو بزرگ باشد و چه کوچک.

ثانیاً: خود آن حضرت، رفتار بسیار محترمانه با فرزندان و کودکان و نوجوانان داشت. به آنان سلام می‌کرد،<sup>۲۲</sup> در مجلس به احترام آنها از جای خود برمی‌خاست، به آنها خوراکی می‌داد،<sup>۲۳</sup> نماز جماعت را به علت گریه آنها با سرعت می‌خواند،<sup>۲۴</sup> سجده را طولانی می‌کرد

می‌گذارد تا ادرارش تمام شود، و بعد از دعا و نامگذاری و رفتن اولیای طفل به شستن لباس خویش مبادرت می‌کرد.<sup>۲۰</sup>

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله به آثار نامطلوب رفتار غیر صحیح اولیاء و دیگران در شخصیت کودک اشاره می‌نمود، نظیر آنچه ام‌الفضل دایه حسین علیه‌السلام نقل می‌کند: «أخذتني رسول الله حسيماً أيام رضاعه فحملته، فأراق ماءً على ثوبه، فأخذته بغنفة حتى بكى فقال صلي الله عليه وآله: مهلاً يا أم الفضل، إن هذه الأرقه الماء يطهرها، فأتني شيء يؤزىل هذا الغبار عن قلب الحسين عليه السلام.»<sup>۲۱</sup>

ام‌الفضل می‌گوید: رسول خدا (ص) حسین (ع) را در ایام شیرخوارگی از من گرفت و او را بر دوش خود سوار کرد. او مایمی بر لباس حضرت ریخت، من با ناراحتی و سرعت او را از دست حضرت کشیدم که حسین به گریه افتاد. حضرت فرمود: ام‌الفضل صبور باش، این آلودگی را آب پاک می‌کند، اما چه چیزی عوارض این رفتار تو را از قلب حسین (ع) پاک می‌سازد؟!

د - والدین موظفند به آموزش فرزندان خود در همان کودکی اهتمام ورزند، تا آنچه برای حال و آینده آنها لازم و سودمند است، فراگیرند و از جمله قرآن را بیاموزند و با دین آشنا شوند. امیرالمؤمنین (ع) در لزوم آموزش در دوران کودکی می‌فرماید:

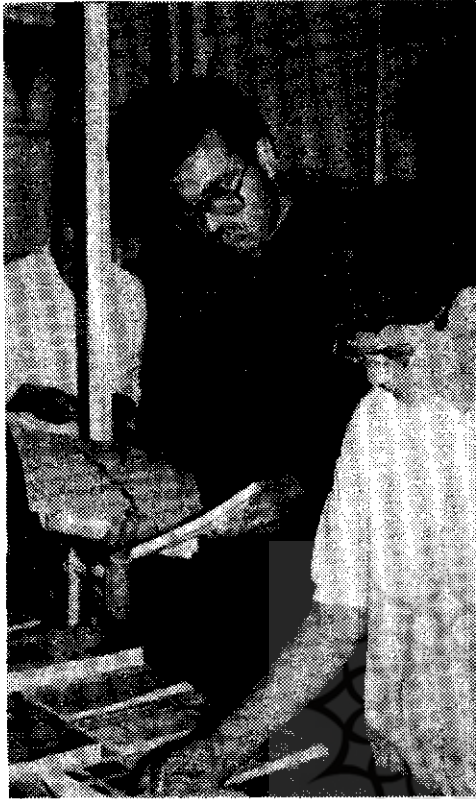
«من لم يتعلم في الصغر لم يتقدم في الكبر.»<sup>۲۲</sup> کسی که در کوچکی علم را نیاموزد، در بزرگی پیشرفت نمی‌کند.

پیامبر اکرم (ص) در لزوم با سواد ساختن فرزند می‌فرماید: «من حق الوالد على والده ... ويعلمه الكتابة...»<sup>۲۳</sup> - یکی از حقوق فرزند بر

پدرش تعلیم کتابت و با سواد ساختن اوست. امیرالمؤمنین (ع) ضرورت آموزش امور مورد نیاز و سودمند برای بچه‌ها را چنین بیان می‌فرماید: «علّموا صبيانكم ما ينفعهم الله به ...»<sup>۲۴</sup> به بچه‌هایتان چیزهایی را بیاموزید که به وسیله آن خداوند آنها را سود می‌رساند.

امام حسن عسکری (ع) ارزش انجام وظیفه والدین را در مورد تعلیم قرآن و آشنا ساختن فرزند به دین چنین می‌فرماید: «خدا به پدر و مادر، در قیامت پاداش بزرگی می‌دهد. آنان از این پاداش تعجب کرده، می‌گویند: این پاداش که بیش از اعمال ماست، برای چیست؟ فیقال: «هذه بتعليكما ولذكما القرآن و تنصيركما آية بدین الاسلام...»<sup>۲۵</sup> یعنی در پاسخ به والدین گفته می‌شود: این پاداش آموزش قرآن به فرزندان و آشنا ساختن وی به دین اسلام است. تعلیم فرزند از دیدگاه اسلام آنچنان از اهمیت برخوردار است که حضرت رسول اکرم (ص) والدینی را که به این مهم بی‌توجه‌اند و خواندن و نوشتن و یادگیری امور واجب فرزند خویش را فدای مال دنیا می‌کنند؛ مورد سرزنش قرار داده، برائت خود را از آنها چنین بیان می‌فرماید: «ويل لاولاد آخر الزمان من آبائهم ... لا يعلمونهم شيئاً من الفرائض و اذا تعلموا ستموهم و رضوا عنهم بعرض يسير من الدنيا، فانا منهم برىء و هم منى برآء.»<sup>۲۶</sup>

یعنی وای به حال فرزندان آخرالزمان از دست پدرهایی که هیچیک از امور لازم و واجب را به آنها نمی‌آموزند و هنگامی که خود فرزندان می‌خواهند به فراگیری علم بپردازند، آنها، به خاطر مال کمی از دنیا، مانع می‌شوند. من از این نوع پدران بیزارم و آنها هم از من بیزار خواهند بود.



ه - مسؤولیت دیگر والدین این است که علاوه بر اینکه باید فرزندان خود را به ارزشها و آداب نیکو آشنا نمایند، آنان را به آداب حسنه مؤدب ساخته، تعهد و پایبندی به ارزشها، و امور شایسته را در آنان پدید آورند، و از آنها افسردگی شایسته، مؤمن، متدین و نیکوکار بسازند.

امام علی بن الحسین علیه السلام در حق فرزند بر والدین می فرماید: « و اما حق ولدك فان تعلم انه منك و مضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره و شره، و اتك مسئول عما وليته من حسن الأدب و الدلالة على ربه عزوجل و المعونة على طاعته، فاعمل في امره عمل من يعلم انه مثاب على الاحسان اليه، معاقب على الاسائة اليه »<sup>۲۷</sup>

حق فرزندان بر تو این است که تو بدانی او از تو است و خیر و شرش در دنیا به تو منتسب است، و تو که سرپرستی او را پذیرفته‌ای، نسبت به او مسؤولی، و باید او را به آداب نیکو تربیت کنی و به سوی پروردگار راهنمایی نمایی و به او کمک کنی تا بتواند متدین و مطیع پروردگار بار آید. پس در تربیت او به مانسند آن کس کوشش کن که می داند احسان و کمک به فرزند ثواب، و بدی به او عقاب دارد.

برای فراهم ساختن زمینه این هدف عالی تربیتی لازم است:

۱- والدین، خود به آداب اسلامی و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی آگاه شوند، و در لباس عمل آنها را برای فرزندانشان مجسم ساخته، با تشویق و تمرین، انس و علاقه و عادت به این امور را در آنان پدید آورند. پیامبر (ص) فرزندان خود را از کودکی طی مراحل و وضو، نماز، روزه و عبادتهای دیگر را می آموختند و آنها را به عمل و تمرین تشویق

می نمودند، و نیز دستور داده اند که والدین نسبت به فرزندانشان نیز چنین کنند. از جمله رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « مَرُوا صبيانكم بالصلوة إذا بلغوا سبعا... (او) اذا كانوا ابناءست سنين... (او) اذا ابناء عشر سنين »<sup>۲۸</sup> یعنی هنگامی که بچه هایتان به شش یا هفت یا ده سال (با توجه به تفاوت رشد) می رسند، آنها را به انجام نماز فرا خوانید.

۲- والدین آداب و رسوم قدیمی و افسانه ای را که بزرگترها، بر اثر شرایط زمانی و موقعیت جغرافیایی و ... به آن عادت کرده اند و در دین اسلام توصیه و تأکیدی بر آن نشده است؛ و یا آدابی را که مخصوص بزرگترهاست، نباید بر

فرزندان خود تحمیل کنند، زیرا آنان در زمان دیگر و در اوضاع و احوال دیگری زندگی می نمایند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:  
لا تُمَسِّرُوا اولادکم علی آدابکم، فاتمّم مخلوقون  
لزمان غیر زمانکم<sup>۲۹</sup>

یعنی آداب مخصوص خودتان را بر فرزندان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای شرایط و اوضاع زمانی غیر از اوضاع و شرایط زمانی که شما زندگی می کنید، به دنیا آمده اند.

۳- والدین باید بتوانند بهایا و حالات روانی فرزندان را مورد توجه قرار دهند و آنچه را در حد توانشان انجام داده اند از آنها بپذیرند و بیش از حد توانشان از آنها انتظار نداشته باشند و کار و تکلیفی که مافوق طاقت آنهاست؛ امر ننمایند.

امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که فرمود:

«رحم الله من أعان ولده علی بره. قال: قلت کیف یعیته علی بره؟ قال: یقبل میسوره، و یتجاوز من معسوره، و لا یرهقه و لا یحزق به.»<sup>۳۰</sup>

رحمت خدا بر والدینی که به نیکوکاری و خوب شدن فرزندان کمک کنند. راوی می گوید به امام گفتم: چگونه؟ فرمود: آنچه را که فرزند در توان داشته و انجام داده است، از او قبول کنند، و آنچه انجام دادن آن برای او سنگین و طاقت فرساست، از او نخواهند، و او را به ستم و بدی و کارزشت متهم نسازند و با او ناسازگاری ننمایند.

۴- والدین باید به خاطر کارهای خوب فرزندان، آنها را تشویق نمایند و در صورت مشاهده لغزش یا انحراف رفتاری برای بارهای اول و دوم نادیده گیرند و عفو کنند و در مراحل

بعدی نیز از زیاده روی در عتاب و سرزنش و تنبیه بدنی و قهر طولانی پرهیز نمایند.

امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله بعد از لزوم تحسین و تشویق افراد به خاطر اعمال و رفتار خوبشان به اثر آن اشاره کرده، می فرماید: «... فان كثرة الذکر یحسّن افعالهم تهزّ الشجاع و تُحرّض الثاکر امن شاء الله تعالی.»<sup>۳۱</sup>

کارهای خوب افراد را، زیاده متذکر شدن و تحسین نمودن باعث می شود که افراد شجاع و فعال به جنبش و تلاش بیشتر وادار شوند و افراد سستی که تن به کار نمی دهند، تحریک شده، وادار به کار و تلاش گردند.

و نیز آن حضرت در مورد زیاده روی در سرزنش کودک و نوجوان چنین می فرماید:

«اذا غابَت الحدیث فاترک له موضعاً من ذنبه لئلا یحمّله الاخراج علی المکابر.»<sup>۳۲</sup>

هنگامی که کودک و نوجوانی را به سبب رفتار نابهنجارش، نکوهش می کنی، مراقب باش که بخشی از آن را نادیده انگاری و از تمام جهات، مورد اعتراض و توبیخش قرار دهی، تا او احساس نکند که طرد شده است، زیرا این احساس باعث می شود او در رفتارش لجاجت و سماجت نماید.

در مورد پرهیز از تنبیه بدنی و قهر طولانی نیز روایت شده که یکی از مسلمانان از فرزند خود به امام ابوالحسن (ع) شکایت کرد. امام فرمود: «لا تضربه و اهرجه و لا تطل.»<sup>۳۳</sup> یعنی او را نزن، با او قهر کن، ولی قهرت طولانی نشود.

۵- والدین همچنین موظفند به منظور پیشگیری از بلوغ زود رس و احیاناً انحراف جنسی فرزندان، از آنچه باعث تحریک جنسی آنان می شود، پرهیزند و از عوامل دیگر نیز جلوگیری کنند. از جمله زمینه جداسازی





خوابگاه فرزندان از ۷ سال و برخی از ده سال به بالا را بر اساس تفاوت افراد از نظر رشد جنسی، فراهم نمایند و از بوسیدن و در آغوش گرفتن دختر شش ساله به بالا، توسط افراد اجنبی (نامحرم) ممانعت به عمل آورند، و نیز زمینه ازدواج فرزندان را به هنگامی که به حد بلوغ و رشد رسیدند، فراهم سازند.

پیامبر (ص) در این زمینه می فرماید: "فَرَّقُوا اولادکم فی المضاجع اذا بلغوا سبع سنین." ۳۴

خوابگاههای پسر و پسر، دختر و پسر، دختر و دخترهای ده ساله را باید از همدیگر جدا ساخت.

پی نوشتها:

۱۹- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۲۸۵ و ۲۸۶،

حدیث ۵۱

۲۰- بحارالانوار، جلد ۶، چاپ قدیم، صفحه ۱۵۳

۲۱- هدیه الاحباب، صفحه ۱۷۶

۲۲- غررالحکم، صفحه ۶۹۷

۲۳- مکارم الاخلاق، صفحه ۱۴

۲۴- بحارالانوار، جلد ۲، صفحه ۱۷، حدیث ۳۹

۲۵- مستدرک الوسائل، جلد ۱، صفحه ۲۹۰،

حدیث ۱، باب ۶، ابواب قرائة القرآن

۲۶- همان، جلد ۲، صفحه ۶۲۵، حدیث ۲، باب ۵۹،

ابواب احکام الاولاد

۲۷- بحارالانوار، جلد ۷۴، صفحه ۶، وتحف العقول

صفحه ۲۶۳

۲۸- مستدرک الوسائل، جلد ۱، صفحه ۱۷۱،

حدیث ۳ و ۵۴، باب ۳ از ابواب اعداد الفرائض و

نوافلها

۲۹- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۳۰،

صفحه ۲۶۷، کلمه ۱۰۲

۳۰- الکافی، جلد ۶، صفحه ۵۰، حدیث ۶، و بحار،

جلد ۲۳، صفحه ۱۱۴

۳۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، صفحه ۹۹۷

۳۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۲۰،

صفحه ۳۳۳، کلمه ۸۱۹

۳۳- بحارالانوار، جلد ۲۳، صفحه ۱۱۴

۳۴- مکارم الاخلاق، صفحه ۱۱۶

۱ و ۲- کنز العمال، جلد ۱، صفحه ۳۲۴

۳- وسائل، جلد ۱۵، صفحه ۲۰۳

۴- مجموعه ورام، ابوالحسن ورام بن ابی فراس،

جلد ۱، صفحه ۶

۵- وسائل، جلد ۱۵، صفحه ۱۹۸، حدیث ۱، از باب

۸۶، ابواب احکام الاولاد

۶- بحارالانوار، جلد ۲۳، صفحه ۱۱۴

۷- الکافی، جلد ۶، صفحه ۴۹، حدیث ۳

۸- بحارالانوار، جلد ۲۳، صفحه ۱۱۳

۹- مکارم الاخلاق، صفحه ۱۱۳

۱۰- مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۶۲۶، حدیث

۴، از باب ۶۷، ابواب احکام اولاد

۱۱- بحارالانوار، جلد ۱۰۴، صفحه ۹۵، حدیث ۴۴

۱۲- مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۶۷

۱۳ و ۱۴- مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه

۶۸ و ۶۹، و وسائل، جلد ۳، صفحه ۲۰۹

۱۵- الکافی جلد ۶، صفحه ۴۸، حدیث ۴

۱۶- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۲۹۴، حدیث ۵۵

۱۷- رک به الحدیث (روایات تربیتی)، جلد ۳،

صفحه ۶۴

۱۸- وسائل الشیعه، جلد ۳، صفحه ۲۹